بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای شاهچراغ - 29 /آذر/ 1401

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید. حادثه‌ی تلخ و در عین حال پُرشکوه حرم مطهّر حضرت احمدبن‌موسیٰ شاهچراغ یک حادثه‌ی ماندنی است در تاریخ. اوّلاً خیلی پُرمعنا است ؛ ثانیاً ماندنی است ؛ حادثه‌ای نیست که به این زودی از یاد تاریخ ایران برود. خب خود جناب احمدبن‌موسیٰ را هم شهید کردند. برادر بزرگوار ایشان یعنی حضرت علیّ‌بن‌موسی الرّضا (سلام الله علیه) را هم شهید کردند. شهید کردند که نام آنها و یاد آنها فراموش بشود ؛ فراموش شد؟ یاد امام رضا فراموش شد؟ یاد شاهچراغ فراموش شد؟ به کوری چشم دشمنان، یاد اینها، ارزش اینها، جایگاه اینها، عظمت رحمت الهی برای اینها روزبه‌روز آشکارتر خواهد شد.

البتّه خانواده‌ها داغدار شدند ؛ این را کاملاً میفهمیم. عزیزانشان، فرزندانشان، حتّی کودکانشان، پدران و مادرانشان از دستشان رفتند ؛ در اینها شکی نیست. داغدار میشوند ؛ دلها میسوزد، دل ما هم خیلی سوخت ؛ دل ما هم خیلی سوخت برای این حادثه، امّا در مقابل این فقدان، یک عظمتی وجود دارد و آن عبارت است از لطف الهی نسبت به آنها و نسبت به شماها که بازمانده‌ی آنها هستید. در بزرگی این لطف الهی نسبت به شما اینکه، خدای متعال در قرآن میفرماید: اُولئِکَ عَلَیهِم صَلَواتٌ مِن رَبِّهِم ؛ (۱) «اُولئِکَ» یعنی همین شماها ؛ عَلَیهِم صَلَواتٌ مِن رَبِّهِم. خدا بر شماها، بر بازماندگان، بر داغدیدگان این شهدا درود میفرستد و صلوات میفرستد. خود آنها هم که خب مقامشان عالی است.

محکومیّت دشمن هم در این قضیّه با خیلی از حوادث تروریستی دیگر کشور فرق دارد. یک وقت یک مجموعه‌ی نظامی را میزنند، یک وقت یک مجموعه‌ی سیاسی را میزنند ؛ خب آن یک حرف است ؛ یک وقت یک مجموعه‌ی زائر را میزنند که نه محفل سیاسی است، نه محلّ رزم و دعوا است ؛ محلّ زیارت است، محلّ انس با خدا است. از تهران، از همدان، از گیلان، از خود شیراز، از کهگیلویه و بویراحمد، از جاهای مختلف انسانها رفته‌اند آنجا برای عرض نیاز، برای خلوت با خدا، برای خلوت با اولیای خدا و مورد این ظلم قرار گرفته‌اند. دشمن خیلی رسوا است در این قضیّه. این دشمن کیست؟ آن که مرتکب این جنایت شد، فقط او دشمن است؟ او که خب معلوم است ؛ او دشمن است، جانی است، خیانتکار است، جنایتکار است، امّا فقط او نیست ؛ کسانی پشت سر او هستند. میگویند «داعش» ؛ خب بله، امّا داعش را چه کسی به وجود آورد؟ این موجود خطرناک را چه کسی تولید کرد؟ آمریکا صریحاً گفت ما داعش را تولید کردیم ؛ خودش صریح گفت این را ــ نه حالا، [بلکه] هفت هشت سال پیش گفتند ما تولید کردیم داعش را ــ آنها گناهکارند ؛ همانهایی که حالا پرچم حقوق بشر را به دست میگیرند. لعنت خدا بر این دهانهای دروغ‌گو، بر این دلهای سیاه و شقی! این جور عمل میکنند، آن جور حرف میزنند. درباره‌ی حقوق بشر، درباره‌ی حقوق زن، درباره‌ی مسائل گوناگون انسانی، حرفشان این است، عملشان آن است ؛ یعنی منافقِ کامل! و منافق، کافر است و کافر دشمن خدا است، عدوّالله است ؛ اینها، هم کافرند، هم منافقند، هم دشمن خدایند. اینها در این قضیّه‌ی شاهچراغ رسوا شدند.

این قضیّه را هم نباید بگذارند فراموش بشود. البتّه فراموش نمیشود، امّا بایستی دستگاه‌های فرهنگی ما، دستگاه‌های رسانه‌ای ما، عناصر هنری ما، این قضیّه را مثل قضیّه‌ی عاشورا، مثل قضایای گوناگون تاریخی، نگه دارند، بزرگ

کنند، ترسیم کنند، آیندگان بفهمند. ما در این زمینه‌ها کوتاهی داریم ؛ ما در قضیّه‌ی رسانه و تبلیغ و ترسیم واقعیّات کوتاهی داریم. خیلی از جوانهای ما و شما قضایای بیست سال قبل را نمیدانند، قضایای منافقین را نمیدانند. در همین شیراز، روز ماه رمضان، دم افطار، منافقین وارد خانه‌ی آن دکتر شریفِ بزرگوار میشوند و [او را] به رگبار میبندند ؛ (۲) روز ماه رمضان در شیراز! بعدها من به آن خانه رفتم. نسل جوان ما متأسّفانه خیلی از اینها را نمیداند ؛ ما در این زمینه‌ها کم‌کاری داریم ؛ باید عناصر هنری ما [کار کنند]. حالا شما جوانها که اینجا هستید، هر کدامتان که در کار هنر، در کار رسانه، در کار تبلیغ، در کار نگارش دستی دارید، یادتان باشد که اینها جزو وظایف حتمی ما است.

به هر حال، من به همه‌ی شما بازماندگان عزیز این شهیدان بزرگوار مجدّداً تسلیت عرض میکنم ؛ هم تسلیت، هم تبریک ؛ تبریک هم دارد. اینها مقامات عالی پیدا کردند ؛ کوچکشان، بزرگشان ــ در میان آنها بچّه بود، بزرگ بود، جوان بود، زن بود، مرد بود، شهری بود، روستایی بود ــ به مقامات عالی رسیدند ؛ این واقعاً تبریک دارد و [البتّه] تسلیت هم عرض میکنیم. ان‌شاءالله خداوند به شماها صبر بدهد و مأجور بدارد.

۱) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۵۷
۲) در نهم مرداد ماه سال ۱۳۶۰، گروه تروریستی منافقین به منظور ترور اعضای مرکزی حزب جمهوری اسلامی استان فارس، دقایقی پس از افطار به خانه‌ی دکتر محمّدحسن طاهری حمله میکنند. با توجّه به حمله‌ی منافقین به مطب دکتر طاهری در شب قبل، جلسه‌ی اعضای شورا به مکانی دیگر منتقل شده بود و فقط چند نفر از اعضای خانواده و بستگان دکتر طاهری برای افطار در خانه حضور داشتند که در این حادثه چهار نفر از اعضای خانواده‌ی ایشان شهید و سه تن بشدّت مجروح شدند.